

جام جم



آیا تجربه «پسر دلفینی» و «لوپتو» جاده محصولات فرهنگی و جانبی پرسود را هموار می‌کند؟

انیمیشن‌های خط‌شکن

۸

گفت‌وگوی «جام جم» با علی تن
هنرمند خوشنویس

از هزینه کردن
برای هنر نترسیم



تجرباتی
۱۱

«جام جم» راهکارهایی برای جلوگیری
قاچاق آثار سینمایی ارائه می‌دهد

فناوری علیه
«اغتشاش در گیشه»



تجرباتی
۱۰

نگاه «جام جم» به سریال‌های خارجی که
به تازگی روی آنتن سینما رفته‌اند

قصه‌های جذاب
به وسعت دنیا



رسانه
۶

زاویه دید

پادداشت

حسین سلطان‌محمدی | منتقد



تبیین و روشنگری‌های فاخر!

مجموعه‌های فاخر، بخشی از تولیدات سینمای ماست. تولیداتی که پیش از هر اقدام فنی، نیازمند متونی است که بتوان بر آن مبنای بخش‌های بعدی فنی را سوار کرد. در این زمینه هر چه در سال‌های پس از انقلاب جلورفتیم، حساسیت‌ها بیشتر شد و جدا از مسئولان در سینما که ترکیبی از مسئولان محتوایی و مسئولان دراماتیک بودند، کم‌کم عوامل دیگری به‌ویژه در حوزه محتوایی به بیان دیدگاه پرداختند و تاندا‌های هم‌دیدگاه‌شان برای پیشبرد کار در هر مرحله از تولید اثر از پیش تولید تا زمان نمایش و پس از آن به کار آمد. آخرین مجموعه پر سر و صدا و البته حساس از هر نظر برای جامعه معاصر ما «مختارنامه» بر اساس روایت‌های مرتبط با حماسه کربلا و عاشورا بود که بحث‌های بسیاری را برانگیخت اما ضرورت پردازش موضوعاتی که واجد چنین زمینه‌ای برای دستمایه قرار گرفتن در تولید اثر تصویری باشد، با توجه به نگرش‌های فرهنگی دینی ما، همچنان موجود است و همچنان اجرایی می‌شود.

نگرش‌های فرهنگی ما به‌ویژه نسبت به موضع قرآن و سنت درباره اولیای الهی و همچنین چهره‌های فرهنگی دین اسلام و مذهب شیعه، ضرورت بیان دیدگاه خودمان در رسانه‌های تصویری را نشان داده است. ما واجد نگرش‌هایی هستیم حتی نسبت به اولیا و پیامبران الهی که با نگرش ترویج شده در جوامع دیگر، متفاوت است و حتی درباره فرمانان و چهره‌های اسلامی و مذهبی نیز برداشت‌های ما الزام تولید چنین آثاری را ایجاد کرده است. نکته حساس این نوع تولیدات این است که گونه‌ای پیش‌برویم که بیان صریح و روشن با هنرمندی نویسندگان متون نمایشی و سپس قدرت و مهارت حرفه‌ای دست‌اندرکاران آن، تلفیق شود. ما در مختارنامه با توجه به پذیرش آن در سطح منطقه‌ای نیز این را یافتیم و توانستیم قهرمانی مذهبی را بازنمایی کرده و از آن برای برداشت‌های آرمایی بهره بگیریم.

اکنون در حوزه تولیدات فاخر، دو اثر بسیار مهم داریم، یکی در مراحل تولیدی تقریباً نیمه دوم کار و دیگری در مرحله پیش‌تولید؛ سلمان فارسی و حضرت موسی (ع). سلمان فارسی از جهت تبیین و روشنگری نسبت به نقش ایرانیان در دوران ظهور اسلام و همراهی با پیامبر خاتم(ص) آن هم در کشاکشی که بیگانگان از مسیر تقویت داعش و اندیشه‌های تکفیری برای هراس‌افکنی نسبت به ایرانیان و شیعه ایجاد کرده بودند، بسیار بااهمیت است و مجموعه حضرت موسی (ع) نیز در دنیایی که صهیونیست‌ها با تحریف واقعیت دین یهود و برای سوءاستفاده از این پیامبر برای سلطه‌سودجویانه بر کشورهای اسلامی، تلاش کرده‌اند و خیلی از سیاستمداران دنیای مادی را به همراهی با اندیشه تحریف‌گرایانه خود وادار ساخته‌اند مهم است، زیرا ضرورت دارد به بیان دیدگاه درست نسبت به این پیامبر الهی و همچنین مقابله با اندیشه‌های انحرافی صهیونیست‌ها، اقدام و مشخص کنیم که بنیان نادرست اسرائیل برچه اندیشه‌هایی استوار است و چهره پیامبران الهی را از زنگار این آلودگی‌ها، پاک سازیم.

این به ماکمک می‌کند که به جوامع انسانی بسیاری در سطح منطقه و سپس در سطح جهانی برسانیم که مقابله ما با موجودیت این کشور جعلی، فراتر از رقابت‌های سیاسی و اقتصادی و قدرت‌طلبی و سلطه‌جویی است و بیشتر، بنیانی فرهنگی و اندیشه‌ای دارد.

به مناسبت درگذشت احمد

خلیلی فرد نقاش مفاهیم متعالی

پرواز نقاشی که آرزوهای خود را می‌کشید



امیر غییمی
گروه فرهنگ و هنر

این روزها جامعه هنری کشور دغدغه‌رایی از برجسته‌ترین هنرمندان خود، احمد خلیلی‌فرد، هنرمند نام‌آشنا و از مفاخر درخشان و صاحب‌سبک هنرهای تجسمی و خاصه هنر نقاشی واز پیشاتازان هنر متعهد و انقلاب بود.

به‌اند خاندانش شدم

او که سال ۱۳۳۹ در سنجند به دنیا آمد، به واسطه عشق و علاقه‌ای که به نقاشی داشت از همان دوران کودکی به سمت این هنر کشیده شد. او درباره علاقه به نقاشی و مجسمه‌سازی همواره می‌گفت: «هیچ‌کس نمی‌داند چگونه و به چه دلیلی وارد ساحتی به نام هنر شده‌ام. شما نمی‌توانید به یک فیلسوف بگویید چگونه به فلسفه علاقه‌مند شدی ولی به یک پزشک می‌توان گفت. چون علم است و دو دوتا چهارتا آن مشخص است. برای یک موزیسین، نویسنده، بازیگر تئاتر و نقاش، این موضوع فرق می‌کند. هنر مانند نطفه‌ای است که درون آدمی شکل می‌گیرد و به تدریج رشد می‌کند و به یک خواست تبدیل می‌شود و بی‌آن‌که خود شخص بداند، وارد حیطه‌ای می‌شود.... به اعتقاد من، خداوند علاقه به هنر را در نهاد هر انسانی می‌گذارد، یعنی من با اجازه و اذن خداوند و به فرمان اوست که نقاش شدم، نه این‌که من خودم علاقه‌مند شده باشم. سبب این علاقه را خداوند ساخته و خواسته که من نقاش شوم.»

با وجود این نگرش شاید یکی از دلایل گرایش خلیلی‌فرد را می‌توان به آرزوهای کودکانه او گره زد: «... وقتی یک کودک بودم دوست داشتم در خانه اسب داشته باشم اما وقتی چنین امکانی در محیط شهری فراهم نبود برای همین به سمت نقاشی روی آوردم تا تجلی رویاهایم را ترسیم کنم. به همین خاطر هم معتقدم که یک نقاش آرزوهای خود را ترسیم می‌کند.»

درک هنر ایرانی

میل و علاقه به هنر نقاشی باعث شد تا این هنرمند در سال ۶۲ وارد دانشکده هنرهای زیبا شود. در همین دانشگاه بود که او به مرور سبک و شیوه کار خود را انتخاب کرد. سبکی که نشأت گرفته از نگارگری ایرانی، مکتب آرت نوو و ویژگی‌های فرهنگی خطه کردستان بود. او در این دوره به نوعی خود را وامدار استاد رویین پاکباز می‌داند. استادی که در طول دوره دانشگاه، او را با گفتمان هنر ایرانی به خوبی آشنا کرد: «... من سال ۶۲ وارد دانشکده هنرهای زیبا شدم. شروع کلاس‌های من با استاد رویین پاکباز بود و تا زمانی که فارغ‌التحصیل شدم، به‌مدت چهار سال با ایشان تمرین می‌کردیم و حاصلش را در آثار امروز من می‌بینید. ایشان دوره نگارگری ایران را از مکتب اصفهان، هرات، تبریز و تمام مکانی که در نگارگری که امروز به غلط می‌گویند مینیاتور- برای ما شکافت و به ما فهماند از چه چیز آن بهره ببریم و چه چیز را کنار بگذاریم. مانند این‌که هانری ماتیس چگونه از نگارگری ایرانی استفاده کرد و معترف است که مدیون مطالعه دوره نگارگری ایرانی است. به‌رحال این نگارگری ایرانی در وجود من نه‌نشین

شد و بعد از فارغ‌التحصیلی، من آن را با نقاشی‌های مکتب آرت نوو که سردمدارانش گوستاو کلیمت و آلفونس موخا بودند ترکیب کردم. پس نقاشی‌های من نشأت می‌گیرد از نگارگری ایرانی، مکتب آرت نووو و ویژگی‌های فرهنگی خطه کردستان، مانند خلوص و جذابیت رنگ‌ها، مربع‌ها و چندضلعی‌های کوچک رنگی که در آثار می‌بینید. اینها نمایانگر نقوش رنگی هستند که در البسه، ظروف و گلیم استفاده شده‌است. یعنی مردم من، مردمی که در این خطه زندگی می‌کنند، فرهنگ‌شان این‌طور است که به زینت و آرایش مکان و هر چیزی که پیرامون‌شان وجود دارد اعتقاد دارند.»

از نقاشی ایرانی تا نقاشی معاصر

خلیلی‌فرد توجه خاص و ویژه‌ای به گفتمان‌های هنر معاصر در آثارش داشت و حتی در برخی از تابلوهاش با قدرت تمام این گفتمان هنری را با مخاطب به اشتراک می‌گذاشت اما در زمینه تکنیکی این آثار تکیه بر بازسازی نقاشی ایرانی به‌ویژه تلفیق نگاه هنر مدرن و نقاشی ایرانی که براساس گفتمان‌های جنبش سفاخانه پدید آمد دارد. خلیلی‌فرد همچون دیگر هنرمندان هم‌عصرش که پس از انقلاب ظهور کردند و تحت تأثیر آموزه‌های نسل اول مدرنیست‌های ایران قرار گرفتند، این تکنیک جنبش سفاخانه پدید آمد دارد. خلیلی‌فرد همچون دیگر هنرمندان هم‌عصرش که پس از انقلاب ظهور کردند و تحت تأثیر آموزه‌های نسل اول مدرنیست‌های ایران قرار گرفتند، این تکنیک خلاصه کرد فیگور در سطح و... رعایت کرده‌است.

پیوند با خاطره‌ها

اودر آثارش عمدتاً تلاش می‌کرد تا به مخاطب القا کند که شاهد تقدیم اثر هنری خود به یاد و خاطرات خود

است که امروز با کم‌رنگ شده یا دیگر وجود ندارد. از سوی دیگر این گفتمان دولایه در پس‌زمینه نگاه تجریدی هنرمند به اقلیم خود و در سطح بازنمایی یادمان ذهنی‌اش است. خلیلی‌فرد سعی داشت مخاطب را درگیر پس‌زمینه‌های ذهنی خود کند تا او نیز مروری بر احساس نوستالژیک و جنبه‌های احساس انسانی‌اش داشته باشد. ایجاد فرم‌های دورانی در آثارش به بازنمایی زن‌ها، مرد‌ها، اسب‌ها و منطقه سرسبز کوهستانی کرد نشین اشاره دارد و نوعی تقدس‌گرایی از روحیه عارفانه و عاشقانه مردمان این دیار را از دریچه ذهنی و احساسی او بازنمایی می‌کند و در کنار همین فیگورها و منظره‌ها، هنرمند باران‌پرتزه و حتی بازنمایی صرفاً زیررنگان، سعی در نشان دادن جنبه یادمانی در آثارش دارد. با وجود همه این‌لایه‌های درونی منحصر به فرد، در آثار خلیلی‌فرد، او هیچ‌گاه برای معرفی سبک کاری‌اش، آن را پیچیده و پرابهام نمی‌کند: «من خیلی ساده فکر می‌کنم و خیلی ساده نیز می‌اندیشم، به همین سادگی نیز نقاشی می‌کنم، گرچه پیچیده کار کردن برای من بسیار ساده است. در واقع گذشته و حال و آینده من باهم متجلی می‌شود و فکر نمی‌کنم نقاشی را بشناسیم که رجعتی به گذشته نداشت باشد... به نظرم هنر آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند و این مسئله را باور دارم. همه کارهای من، چه خوب و چه بد در تمام سطوح از دل برآمده‌اند. من به‌سادگی خود افتخار می‌کنم و این را در آثارم نیز نشان می‌دهم و از این‌که عموم مردم نیز کارهایم را دوست دارند لذت می‌برم زیرا نگاه من روزمره و رایج نیست و من می‌خواهم ببینند رادر فضایی تازه و نوین و جدای از دغدغه‌های روزمره قرار دهم.»

همراه همیشگی هنر مقاومت

از دیگر ویژگی‌های این هنرمند فقید، توجه و تأکید بر هنر مقاومت و وفاداری به ارزش‌های آفریده‌شده در دوران انقلاب اسلامی و همچنین ابراز ارادت به اهل بیت (ع) است. او در آفرینش‌های هنری‌اش فداکاری و ایثار را بازنمایی می‌کرد. از نظر او هنر نیازمند کشش‌های درونی است و همین کشش‌هاست که هنرمند را به سمت خلق اثر در زمینه‌هایی چون مقاومت سوق داد، چراکه هنرمند همواره در طول تاریخ در برابر مسائل مختلف احساس مسئولیت کرده و بنا به وضع موجود دست به خلق اثر می‌زند، به همین دلیل هم خلیلی‌فرد معتقد بود شرایط کنونی جهان به سمت و سویی رفته که در بسیاری از کشورها مردم در حال جنگ و درگیری هستند و اگر همه هنرمندان جهان زبان هنر را جدی گرفته بودند شاهد چنین اتفاقاتی نبودیم.

این استاد دانشگاه که حامی هنر مقاومت بود، همواره تأکید می‌کرد: «مقاومت در برابر پلیدی‌ها و ناراستی‌ها می‌تواند اساسی‌ترین تعریف هنر باشد، چرا که هنر در ذات خود با هر آنچه کزی و ناراستی است و هر آنچه انسان را از مسیر تعالی دور می‌کند در جدال خواهد بود.» این نگاه و اندیشه در لحظه لحظه زندگی خلیلی‌فرد جریان داشت و شاید به همین دلیل هم بود که با وجود برگزاری بیش از ۴۱ نمایشگاه داخلی و خارجی، پنج نمایشگاه انفرادی، کسب مدال برنز و دیپلم افتخار از تری‌فال پاریس و دریافت نشان درجه هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، او بیش از هر چیز در کسوت یک استاد اخلاق گرا شناخته می‌شود.